

## تحلیل جایگاه تهدیدهای نوین در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی با تأکید بر حکمرانی راهبردی

نبی‌الله ابراهیمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۴/۱۶

صفحات مقاله: ۹-۲۶

### چکیده

هدف اصلی این نوشتار، تحلیل جایگاه تهدیدهای نوین در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی و ارائه مدلی کارا و مؤثر در همین زمینه است. پارادایم در حال پیدایش و متحول پس از جنگ سرد، و غالب شدن بر پارادایم پیشین مبتنی بر دولت محوری و مطالعات راهبردی صرف، نیاز مطالعات امنیتی به رویکردی جدید را پیش از پیش نیازمند کرده است. امروزه، با ایجاد فضای جدید و سپهر امنیت بین‌المللی و پدیداری تهدیدهای نوین، پارادایم کنونی بویژه پس از یازدهم سپتامبر، هم دولت محور است و هم فرادولتی. ورود کنشگران غیردولتی به مسائل دفاعی - امنیتی، ما شواهد نوعی پارادایم دو وجهی دولتی - غیردولتی هستیم. با تهدیدهای نوین، سیاستگذاران ناچارند در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی نو، برگزینان همکاری دولتی و غیردولتی تکیه کنند. نوشتار حاضر این نوع تعامل را در برابر تهدیدهای نوین را مشمول «حکمرانی راهبردی» دانسته و آن را پیشنهاد می‌کند.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

مطالعات امنیتی - مکتب کپنهاگ، مکتب انتقادی، حکمرانی، حکمرانی راهبردی، تهدید زیست

محیطی، تهدید سایبری، امنیت بین‌الملل

## مقدمه

مفهوم امنیت، امروزه - یعنی دوران پساجنگ سرد بویژه یازدهم سپتامبر تحت مقوله احساس مشترک تعریف می‌شود. در طول جنگ سرد، سیطره مفهوم امنیت عمدتاً پیرامون قدرت نظامی و روابط استراتژیک بین کشورها معنی و مصداق داشت. از پایان سال ۱۹۸۰ گفتمان امنیتی آن روز تعامل مشترک میان سپهر دولتی و غیردولتی درگیر یک منولوگ (monologue) بود، تا یک دیالوگ (Dialogue) در فردای پس از یازدهم سپتامبر و حملات تروریستی به ایالات متحده آمریکا، نگاهی جدید و تمایزی شدید میان دو اردوگاه، سنتی مطالعات امنیتی واقع‌گرایانه و انتقادی‌ها صورت پذیرفت. (Kenn, 2007: 66)

در نگاه واقع‌گرایانه، بر انکار وجود کنشگران غیردولتی و تک بعدی بودن بزنگاه‌هایی برای تهدیدهای نو در تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی با پارادایم دولتی خویش به بی‌راهه می‌رفت. ولی در اردوگاه انتقادی‌ها (شامل سازه‌انگاری، انتقادی، مکتب کپنهاگ) نوعی تعامل سپهر غیردولتی و دولتی‌ها در برابر چالش‌های نوین امنیتی - دفاعی دیالوگ تعامل‌گرایانه را پیشنهاد می‌دهند. انتقادات جاری، پیرامون حملات پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه ایالات متحده ضد تروریسم بین‌المللی و عدم موفقیت کامل در این بزنگاه، خود باعث رشد رویکرد انتقادی نسبت به این گفتمان واقع‌گرایانه، و ارائه رویکردهای بدیلی در قالب پارادایم تعامل‌گرایانه و همکاری جویانه سپهر دولتی و غیردولتی شد. (Robin, 2004: 99) این مفهوم‌سازی مجدد در حوزه امنیتی - دفاعی با مجموعه امنیت انسانی جهانی<sup>۱</sup> که دو حوزه امنیت انسانی و امنیت دولت را پیش‌روی سیاست‌گذاران قرار داده است، ساختار شکنی عمیقی در مطالعات امنیتی ایجاد کرده است. این ساختار شکنی بعضاً در ابعاد حساسی همانند حوزه‌های فرهنگی، دینی، ملت باوری، رشد علائق نوین در حوزه زندگی بین‌دارا و ندار، تهدیدهای نوظهور با پیدایش تروریسم نو، افزایش جمعیت، آلودگی محیط زیست، مسأله فقر، طبقه جنسیت و دین - نیازمند

---

1 - The collective of global human security

تعامل پویا میان کنشگران غیردولتی و دولتی در چارچوب تدوین راهبردهای امنیتی - دفاعی مشترک شده است. (Kenn, Ibid: 1-2) این استراتژی بنام «حکمرانی راهبردی» هدف این نوشتار است.

لذا فرضیه حاضر بدین گونه مطرح می‌شود که «با توجه به تهدیدهای نوین در جهان پسا یازدهم سپتامبر، تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی در چارچوب «حکمرانی راهبردی» مورد توجه قرار گرفته است، خلق این فرضیه، دولت دیگر مرجع حوزه امنیت به طور مطلق نیست و کنشگران جدید مدعی حضور در این راهبرد هستند. بنابراین پژوهش حاضر سعی در ارائه الگوی نوینی دارد که به طور قیاسی از راهبردهای مدون در کشور کانادا به صورت شاهد استفاده می‌شود.

ملاحظات مترولوژیک و روش‌شناختی در حوزه «امنیت پژوهشی» این نوشتار متضمن تأکید بر روش‌شناسی، انتقادی (سازهانگاری، مکتب کپنهاک و انتقادی) در مطالعات امنیتی است. به عبارتی، روش و نظریه در این پژوهش عمدتاً متوجه روش‌شناسی انتقادی است. اساساً رد نظریه امنیتی واقع‌گرایانه در تدوین راهبرد دفاعی - امنیتی از اهم شاخص‌های این پژوهش خواهد بود. در خور یادآوری است که فضای امنیتی پس از یازدهم سپتامبر، اهمیت «حکمرانی راهبردی» و تعامل کنشگران غیردولتی را مورد کندوکاو قرار داده است. در نهایت با توجه به تهدیدهای نوین، تدوین راهبردهای دفاعی - امنیتی، مدل مورد نظر ارائه خواهد شد.

#### مکتب انتقادی، روش و نظریه در حوزه امنیت پژوهشی

با تحولات صورت گرفته در حوزه مطالعات امنیت ملی، در پرتو ظهور مکتب انتقادی، حیات علمی مطالعات امنیتی شاهد تحول چشمگیری بوده است. «آدلف» به جای اهمیت علل و ریشه‌ها «به تفسیر و آینده‌نگری» اهتمام داشت. نگرش انتقادی که از رهگذر نقد عقل حاصل آمده و بر این مبنا استوار است و معتقد است با نقد وضع موجود به نفع وضع مطلوب و تلاش برای رسیدن وضع مطلوب، رضایت انسان مدرن را می‌توان جلب نمود. از این نظر، امنیت،

شأن و جوهری «انتقادی» می‌یابد و با سیاست‌های انسان‌مدارانه پیوستگی تام دارد. تصویری که از جهان در این نگرش ارائه می‌شود «رودی متلاطم» است که پیوسته در حال تغییر و تحول می‌باشد و آن چه می‌تواند به انسان، رضایت و آرامش بخشد «نقد» است. سنت‌گرایی مانند باری بوزان در کتاب، مردم دولت‌ها، هراس مفهوم امنیت را «ایستا» و ناظر به کنشگر دولتی فرض می‌کنند. این معنا، از سوی «مندیک» و استیواسمیت - ناقدان جدی کتاب بوزان - به چالش کشیده و با تأکید بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی ملت، دولت، محوریت، ایده دولت در نظریه بوزان را به نقد گذاشته‌اند. مکتب انتقادی با طرح مفهوم «رضایت» توانست تفسیری موسع از امنیت «فرد محور» برای عصر جدید را ارائه دهد. به این ترتیب بحث جاری را به نفع دولت‌گرایان (تا حدودی) خاتمه دهد. تفسیر فرد محورانه بالا در بستر مکتب انتقادی، توجه به مفهوم «بنیادین ساخت اجتماعی»<sup>۱</sup> را ضروری می‌داند. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۴)

در همین راستا، مکتب کپنهاگ با رویکردی انتقادی نسبت به مکتب واقع‌گرایی در آثار جدید خود (ویور، دوپلد و همکاران) با تعدیل نظرات بوزان در خصوص امنیت دولت‌محور، موضوع امنیت را مشمول ساخت اجتماعی می‌دانند و بر تعامل دولت و کنشگر غیردولتی تأکید دارند. این مکتب، مکمل مکتب انتقادی در کنار اهمیت فردی، دستور کار «امنیت اجتماعی» را پیشنهاد می‌دهد.

مفهوم سازمان‌دهنده بخش اجتماعی در این مکتب «هویت» است زمانی که ناامنی اجتماعی وجود دارد که هویت‌هایی از هر نوع، تحول یا احتمالی را به عنوان تهدیدهایی برای بقای خودشان به عنوان یک هویت تعریف کنند. البته امنیت اجتماعی همان «امنیت هویت»<sup>۲</sup> است. امنیت اجتماعی همان تأمین اجتماعی<sup>۳</sup> نیست. تأمین اجتماعی ناظر بر نیازهای مادی و

1 - Social Structure

2 - Identity Security

3 - Social Security

عمدتاً سرشستی اقتصادی دارد ولی امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت‌هاست. مثلاً مهاجرت، بیکاری و بزهکاری و غیره تهدیدی برای افراد هستند (تهدیدهای جامعه) و تنها در صورتی که با خطر فروپاشی جامعه همراه باشند به مسائل امنیت اجتماعی تبدیل می‌شوند. (بوزان، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۶) در اینجا ما به نوعی از امنیت فردی (مکتب انتقادی) به امنیت اجتماعی (هویت) - مکتب کپنهاگ - سوق پیدا کردیم ولی در کل نقد امنیت در نظریه واقع‌گرای و رد تنها مرجع یعنی «دولت» در راهبردهای دفاعی - امنیتی منظور است.

مکتب انتقادی و کپنهاگ برخلاف مکتب تفسیری تا حد زیادی از انتزاعی بودن صرف و توجه به اصول پراگماتیسم صرف فاصله گرفته‌اند و ضمن توجه به اصل هرمنوتیک، به نوعی طرفدار برقراری رابطه مناسب بین نظریه و عمل هستند، لذا می‌توانند تا حد زیادی تهدیدهای نوین را بررسی و در قبال آن به تدوین راهبردهای دفاعی و امنیتی دست بزنند. (Klima: 15) برنامه پیشنهادی مکتب انتقادی برای طراحی استراتژی دفاعی - امنیتی بر سه اصل بنیادین است:

نخست آگاهی: برای ارتقای ضریب امنیتی جامعه و افزایش رضایت‌مندی نزد کنشگران، ارتقاء سطح آگاهی کنشگران در خصوص شناخت وضع موجود، اصلاح وضع موجود، خواسته‌های اصیل و راه‌های وصول به وضع مطلوب ضروری است.

دوم: ابزار انگاری، عالمان علوم اجتماعی می‌توانند با بهره‌مندی از مجموعه قوانین علی برای تغییر و افزایش رضایت‌مندی کنشگران بهره بجویند.

سوم: مردم‌سالاری، امر سیاستگذاری و حکمرانی جامعه اگرچه فعالیتی تخصصی است، مثلاً بدون حضور مردم، به صورت رضایت‌بخشی ضرورت نمی‌پذیرد و زمینه بروز ناآرامی را فراهم می‌آورد. در کشور کانادا سه عنصر و مؤلفه مهم و کارساز تلقی می‌شود. (افتخاری، پیشین: ۱۲۸) در کل راهبرد پیشنهادی مکتب انتقادی برای برقراری امنیت و فائق آمدن بر تهدیدهای نوین، آمیزه‌ای را ملاحظیات مکتب تفسیری (ذهنی‌گرایی و آرمان‌گرایی) و حول مکتب پوزیتیویستی (عمل‌گرایی محض) بوده و از حیث تحلیلی در میانه این دو قرار دارد.

به عبارت دیگر، اندیشه‌گران انتقادی عطف به جوهره رهنوتیکال امنیت، بر این باورند که برای تحلیل رضایت‌مندی می‌توان با نقد ایدئولوژی حاکم و اصلاح نظریه بهره جست.

(مکین، ۱۳۸۰: ۷۲-۱۱) با توجه به بررسی کلی نظری، پژوهش بر مبنای روش‌شناسی انتقادی (مکتب کپنهاگ و انتقادی) ضروری است تا مدل مورد پیشنهادی خود یعنی «حکمرانی راهبردی» را طبق این نظریه بررسی و امنیت پژوهشی فوق را مورد کندوکاو قرار دهیم. لازمه این مدل و الگو، بررسی تهدیدهای نوین پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در حوزه مطالعات راهبردی و امنیتی است.

### یازدهم سپتامبر، شرایط نو

امنیت امروزه، شامل تعداد متناهی از مسائل نظامی و غیرنظامی است. همانند، جرائم سازمان‌یافته<sup>۱</sup>، سوداگران تسلیحات<sup>۲</sup>، رازپوشی<sup>۳</sup>، گرمایش جهانی<sup>۴</sup>، امنیت انرژی<sup>۵</sup>، تروریسم و امنیت سایبر<sup>۶</sup> که توجه سیاستگذاری و تدوین‌گران راهبردهای امنیتی - دفاعی را جلب کرده است. دولت‌ها در این بزنگاه، تنها مرجع امنیت نیستند و کنشگران دیگری همچون شرکت‌های امنیتی خصوصی و دیگر کنشگران با امنیت دولت مرتبط شده‌اند. این مسأله اذهان پژوهشگران و سیاستگذاران حوزه امنیتی و دفاعی را به خود معطوف ساخته است.

براستی بهترین گزینه برای فهم و مفهوم‌پردازی در خصوص شبکه تهدیدها و چالش‌های امنیتی که جهان امروز ما با آن مواجه است چیست؟ این مسأله پس از یازدهم سپتامبر وارد چه گفتمان نوینی شده است و چه استراتژی را طلب می‌کند؟ (www.crisisgroup, 4333)

### یازدهم سپتامبر و دستور کار جدید امنیتی - دفاعی

با تحولات و تغییرات مندرج در امنیت بین‌المللی به تبع دستور کار جدیدی سرلوحه

- 
- 1 - Organized Crimes
  - 2 - Weapons Proferater
  - 3 - Privacy
  - 4 - Global Warming
  - 5 - Energy Security
  - 6 - Terrorism and Cyber - Security

راهبردهای امنیتی - دفاعی کشورهای بزرگ و تأثیرگذار قرار گرفت. امروزه و در دنیای پس از یازدهم سپتامبر امنیت داخلی، و منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار یکدیگر مفاهیم متناظری هستند که جداگانه بررسی آنها محال و مشکل است، لذا جهانی شدن نیز منجر به شماری از پیشرفت‌های چشمگیر شده است که مهم‌ترین آنها پیدایش موضوعاتی است که دغدغه‌های امنیتی دولت، فرد و منطقه را دو چندان کرده است.

اینها شامل تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، ایدز، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، تخریب محیط زیست، فقر و فساد و افزایش قاچاق بین مرزی افراد و کلاست، پایان تحولات، امنیت دنیای معاصر به سوی یک «جستار امنیت انتقادی نظام جهانی» در حال رشد و نمو است. تحولی که ظهور جامعه مدنی جهانی، عواملان جهانی برای رأی دهندگان حوزه‌های انتخابی و پاسخگویی جهانی و آسیب‌پذیری مشترک را بدنبال داشته است. در جهان پس از یازدهم سپتامبر در حالی که نیروهای گسستگی شامل دولت‌های مداخله‌گر و عوامل بنیادگرایی غیردولتی مانند سازمان‌های تروریستی دخیل هستند. کارگزاران امنیتی گفتمان انتقادی نیز سعی نموده‌اند تحولات نوین را زیر نظر داشته باشند.

جنگ ویتنام، پایان جنگ سرد و بویژه دوران پرتلاطم پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، به تضعیف واقع‌گرایی و افزایش برتری نظریه‌های انتقادی در امنیت و روابط بین‌الملل کمک کرد. پس از آن راه برای ایده‌های نوین با رشد مکاتب ساختارزدایی و پست مدرنیسم که اصول ایدئولوژیکی و امنیت سیاسی به مثابه ابزار سلطه دولت را زیر سؤال بردند باز کرد. البته انتقادی‌ها راه‌حل میانه و همکاری نهاد دولت با نهاد غیردولتی در مقوله امنیت را جهت مقابله با تهدیدهای نوین پیشنهاد می‌کنند. (Mally, 2006: 11-13)

با وجود این، یکی از تهدیدهای نوین پس از یازدهم سپتامبر، تهدیدی جهانی و نامتقارن بنام تروریسم بود. به طور کلی پذیرفته شده است که تهدیدهای جهانی نامتقارن به شیوه القاعده از طغیان انسان‌های تحت فشار جهانی‌سازی ناشی می‌شود. از کشورهای فقیر سومالی تا منطقه محرومی که در کشورهای ثروتمند وجود دارد. این تهدیدها علیه مراکز صورت می‌گیرند که بر جهان فرمان می‌رانند نابرابری‌های ناشی از اندیشه نئولیبرال، این تهدیدها را برمی‌انگیزد و از فناوری نوین ارتباطی در جهت

نزدیک ساختن طغیان‌ها در تمام کشورها سود می‌جویند. (Howard, 2001: 101)

اندیشه واقع‌گرایانه و لیبرال‌گرایانه امنیتی در افغانستان و عراق با طرح مارشال و خاورمیانه بزرگ، نه تنها تهدیدهای نوین پس از یازدهم سپتامبر رد خاورمیانه به گفته «ریچارد چینی» «مقاومت رو به زوال» را کاهش نداد بلکه به نقل از رئیس سرویس مخفی تفنگداران دریایی آمریکایی در عراق «نیروهای نظامی ایالات متحده در عمل نتوانستند کاری برای بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی انجام دهند چرا که تعداد تلفات در حال رسیدن به تعداد دو برابر قربانیان حملات یازدهم سپتامبر است.» (Washington post, 2006)

این امر به گفته کارشناسان رفتن به سوی نقد سیاستگذاری و راهبردهای کنونی و اهتمام به جامعه مدنی «کشورهای مقاومت‌گرا»، اهمیت به نقش فرهنگ، هنجار، دین و قواعد آن کشورها و نیز یاری خواستن از کنشگران غیردولتی در این راهبرد امنیتی را تشویق کرد. (Koithara, 2000: 145-70) رویکرد امنیت با انتقادی به تهدیدهای نوین و دغدغه‌های امنیتی زمان حاضر و طبق برداشت‌های ذهنی عمومی از تحولات سامانه بین‌المللی بر اساس آرایش اذهان تعریف می‌شود. زیرا ساختارها بیش از هر چیز مستلزم دگرگونی عمیق ساختارهای ذهنی است. لذا مدیریت ادراک، یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده نگرشی امنیتی مدیریت در شناخت جامعه اطلاعاتی، انقلاب اطلاعاتی و نگرشی امنیتی تعامل جویانه میان دولت و بخش غیردولتی است. (در بخش مطالعه مورد حکمرانی راهبردی به آن خواهیم پرداخت) بنابراین توجه به فضای سایبر، مدیریت ادراکی، هنجارها و فرهنگ جوامع، محیط زیست، فقر و بیماری، جرائم سازمان‌یافته به مثابه تهدیدهای نوین جامعه امنیتی بین‌المللی بویژه پس از یازدهم سپتامبر ضروری است.

در این سیاق، با حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به مراتب سنت نئولیبرال و واقع‌گرایی در عراق و افغانستان، باب بررسی گفتمان انتقادی امنیتی گشوده شد و توجه مشخص به کنشگران غیردولتی در مبارزه با تهدیدهای نوین، سرلوحه تدوین‌گران، و راهنمایی راهبردهای امنیتی - دفاعی شد. پارادایم‌های امنیت انسانی، حکمرانی‌های امنیتی، سیاسی و راهبردی از دیگر زوایای مهم گفتگو و گفتمان انتقادی است. زمانی که شورای امنیت سراًحتاً در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ به اتفاق آراء حملات تروریستی سپتامبر را محکوم کرد و چنین اقداماتی



را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل برشمرد.

بنابراین از ترمینولوژی مفتوح ماده ۳۹ فصل هفتم منشور ملل متحد استفاده کرد شورا از «جامعه بین‌الملل» خواست تا تلاش‌هایشان برای جلوگیری از اقدامات تروریستی را دو چندان کنند و همکاری را در اجرای کنوانسیون‌های ضد تروریستی را افزایش دهند. (Working group UN Doc, 2001) در این قطعنامه «جامعه بین‌الملل و همکاری» از مفاهیم عمده‌ای هستند که راه را برای مفهوم‌پردازی حکمرانی راهبردی یا امنیتی باز کرد.

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ قطعنامه دیگری به اتفاق آراء در مقابل تروریسم بین‌الملل صادر شد که در آن عبارت خاص «اقدامات طبق فصل هفتم منشور ملل متحد» صراحتاً بیان شد «که کشورها» قانوناً متعهد به اجرای آن هستند. (Working group UN Doc, 2001) این ادبیات به طور واقعی عزم جامعه بین‌المللی و تمامی کشورها را در قبال تروریسم، پرورش داد، ولی اقدامات ایالات متحده با نگرشی واقع‌گرایانه در عراق تو افغانستان و عدم توجه به جامعه مدنی جهانی، امنیت انسانی، و امنیت فرهنگ محور، مشکلات عدیده‌ای رد برابر تهدیدهای نوین امنیت بین‌المللی ایجاد کرد که راه‌حل آن رد گفتمان انتقادی امنیتی است. بنابراین این نوشتار، پس از تهدیدهای نوین امنیتی، یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های مبارزه با این تهدیدها را در قاعده‌ها سازی و هنجاری کردن «حکمرانی راهبردی» می‌داند.

### حکمرانی و حکمرانی راهبردی

علی‌رغم شکست رژیم طالبان و نابودی حکومت بعثی صدام در عراق توسط نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده در زمان بوش پسر، شبکه القاعده همچنان پایدار مانده و تهدیدی برای شهروندان خاورمیانه و غرب است. گرایش‌های ضدآمریکایی<sup>۱</sup> همچنان در حال رشد است. مؤسس چتام در گزارش<sup>۲</sup>، می‌نویسد که «حملات تروریستی همچنان پس از نه سال از عملیات یازدهم سپتامبر مستمراً از بالی تا قاهره و از مادرید، لندن ادامه دارد و این‌ها

1 - Anti-Americanism

2 - Chatam House Report

نشان از شکست برچیدن تهدید دارد.» (Shani, 2006: 2-3)

بنابراین، شکست گفتمان جنگ علیه تروریسم توسط ایالات متحده با نگرش صرف نتولیرال و واقع‌گرایی ناچیز انگاشتن نظریه‌های انتقادی و عدم توجه به مطالعات امنیتی فراوان صورت گرفته باعث گسترش نفوذ شبکه‌ای القاعده و گروه‌های تروریستی به مثابه تهدید نو شده است. البته تهدیدهای بی‌شمار دیگری مانند فجایع زیست محیطی، فقر، ایدز، جرایم سازمان‌یافته، جرایم سایبری، وجود دارند که به آن توجه خواهد شد. در خور یادآوری است که مطالعه مفهوم حکمرانی و مفهوم‌پردازی حکمرانی راهبردی از گرانینگاه این نوشتار است.

#### الف) حکمرانی

طی جنگ سرد، امنیت با اصطلاحات عمدتاً سیاسی و نظامی درک می‌شد به طوری که حمایت از قلمرو ملی و کنترل مردم بود. در این صورت نه امنیت انسانی<sup>۱</sup> و نه حکمرانی<sup>۲</sup> مرکز بحث‌های امنیت نبودند. حکمرانی مفهومی متأثر از تجربه ایالات متحده و اروپای غربی بود که نخستین نظریه‌های امنیت در آنجا بوجود آمد. با توجه به رقبای مهم دولت و کم‌رنگ شدن نظریه امنیتی واقع‌گرا، شرکت‌های چند ملیتی و گروه‌های جامعه مدنی، دولت را به مبارزه می‌طلبند. مفهوم جدیدی از امنیت بوجود آمده که در آن حکومت و امنیت انسانی در کنار مفهوم قدیمی امنیت دولتی، مفاهیم کلیدی هستند، لذا گسترش گفتمان حقوق بشری و قواعد بشردوستانه، رویکرد جدیدی برای مفهوم‌سازی حکمرانی شده است، بنابراین، تحت عنوان الگوی حکمرانی، معانی نوظهور می‌کنند. (Shani, Op: 4)

حکمرانی، روشی است که جامعه به صورت دسته‌جمعی مشکلاتش را حل و نیازهایش را مرتفع می‌کند و نیازمند مشارکت عمومی، تمرکززدایی و شراکت بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. بنابراین، حکمرانی رویکردی یکپارچه‌تر به تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی

1 - Human Security

2 - Governance

توسعه و مدیریت اجتماعی است. (Hodes, 1999: 635)

حکمرانی، باعث افزایش شفافیت، پاسخگویی و فراگیری اجتماعی است بنابراین به انسجام اجتماعی، منجر می‌شود. این مفهوم اجتماعی - سیاسی سپس با تحول نظریه‌های امنیت بین‌الملل از واقع‌گرایی به رویکرد متأخری همچون مکتب کپنهاگ، انتقادی و سازه‌نگاری وارد ادبیات امنیتی و روابط بین‌الملل شد.

### از حکومت تا حکمرانی امنیتی - راهبردی

با تحول و تغییر در معماری امنیتی در حوزه آتلانتیک و آمریکای شمالی، الگوی حکمرانی امنیتی - راهبردی کشور کانادا مورد اهتمام این نوشتار است که به آن خواهیم پرداخت. تحول در مفهوم امنیت و رشد و نمو سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های امنیتی خصوصی به شکلی فزاینده حوزه مطالعات راهبردی و امنیتی را با تحولات گسترده‌ای همراه ساخت. تهدیدهای نوین مجازی و غیرمجازی، باب ورود گفتمان حکمرانی امنیتی - راهبردی را هموار ساخت.

این تحولات در کشور کانادا و اروپای غربی، به بسترسازی سامانه‌ای بنام «حکمرانی امنیتی» منجر شد. کاهش گفتمان دولت محوری در ماهیت تهدیدهای نوین، و شبکه‌های پیچیده از دولت‌ها و گنشگران غیردولتی، تغییر از پارادایم حکومت به حکمرانی را میسر ساخته است. (Krahman, 2003: 5) لذا با ابطال نظریه‌های موازنه قدرت<sup>۱</sup>، رژیم امنیتی<sup>۲</sup> و جوامع امنیتی<sup>۳</sup> و عدم پاسخگویی این نظریه‌ها به تحولات صورت گرفته در پس از یازدهم سپتامبر با توجه به تهدیدهای نوین، سامانه حکمرانی امنیتی - راهبردی مورد توجه پژوهشگران حوزه امنیت قرار گرفت. مثلاً ناتو بعنوان یک رژیم امنیتی مشترک فاقد تأثیرگذاری از تسری

1 - Blance of Power

2 - Security Regime

3 - Security Communities

تهدیدهای کنونی در امنیت انسانی است.

این سازمان تا حد زیادی نتوانسته در حوزه راهبردی و امنیتی، خود را با شرایط جدید و هویت‌های مانند کنشگران امنیتی خصوصی و تهدید جرایم فراملی منطبق کند. بنابراین سامانه حکمرانی امنیتی - راهبردی سال‌ها در مراکز علمی و پژوهشی کانادا و ایالات متحده بدیلی مناسب در مقابل نظریه‌های قدیمی امنیتی شد. (Branett, 1998: 29-32) با تحول در مفهوم «تهدید» یعنی تحول از تهدیدات نظامی به غیرنظامی، مدیریت سامانه حکمرانی راهبردی - امنیتی روی‌های روبه گسترش به خود گرفت.

به عبارتی امنیت از دولت به جوامع و افراد و از امور نظامی به غیرنظامی تغییر موضع داد. این ساختار، منطبق با نظریه‌های انتقادی و کپنهاگ است که تهدیدات را برخلاف واقع‌گراها در امور نظامی خلاصه نمی‌کنند. حوزه امنیت راهبردی کشورهای آمریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) و اروپای غربی، اکنون مواجه به کنشگران جامعه مدنی، حل منازعه، پناهندگی، مهاجرت، تروریسم، مسائل زیست محیطی، تهدیدات هویتی است. این تهدیدات نوپا خود راهبردی مشخص را می‌طلبد. (Litly, 2000: 29)

حکمرانی در جامعه بین‌الملل براساس رشد آگاهی از مشکلات جهانی و شناخت تهدیدات نوین امنیتی مانند تروریسم بین‌الملل، جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی مهاجرت و براساس همکاری بین‌المللی است. (Krahman: 11)

به عبارتی جهانی شدن امنیت، تعاملات جهانی بین جهان سوم و جهان پیشرفته را می‌طلبد چراکه مشکلات پیش‌رو که برآمده از تهدیدات نو می‌باشند، نیازمند مؤلفه‌ای هستند که این مؤلفه برآمده از اجزای زیر می‌باشد:

- ۱ - بهینه‌سازی کاربردی
- ۲ - توزیع منابع، منافع
- ۳ - هنجارها و تصمیم‌سازی
- ۴ - اعمال سیاست

در کل حکمرانی امنیتی - راهبردی از لحاظ مفهومی به ساختار و فرآیندهایی اشاره دارد که در

حوزه خصوصی و عمومی اشارت دارد که منافع متقابل را از طریق همکاری و هماهنگی همچنین، اجرای سیاست‌های الزام‌آور در فقدان یک حاکمیت مرکزی طلب می‌کند. (Krahman: 13)

درخور یادآوری است که اشاره تلویحی هر چند مختصر، به دو نوع تهدید نوین همچون تهدید «سایبری» و تهدیدات «زیست محیطی» معماری امنیتی در سامانه حکمرانی امنیتی راهبردی در قبال این تهدید را نشان می‌دهد. این دو نوع تهدید در الگوهای حکمرانی راهبردی - امنیتی کشور کانادا و اروپای غربی بیشتر مورد توجه واقع شده است.

#### الف) تهدید زیست محیطی

هدف امنیت زیست محیطی<sup>۱</sup> تحت لوای حفاظت از مردم در برابر تخریب کوتاه مدت و بلند مدت طبیعت، تهدیدات انسان ساخته در قبال آن و زوال محیط زیست محیطی است. در کشورهای در حال توسعه، نبود دسترسی به آب پاکیزه یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات زیست محیطی است. در کشورهای صنعتی نیز آلودگی هوا از جمله تهدیدات عمده می‌باشد. از دیگر مسائل امنیت زیست محیطی، گرم شدن جهان و سوراخ شدن لایه ازن به دلیل افزایش گازهای گل‌خانه‌ای است.

در همین ارتباط مثلاً مک دونالد<sup>۲</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «گفته‌های امنیتی و تغییرات زیست محیطی» معتقد است که امنیت برساخته‌ای اجتماعی<sup>۳</sup> است و معنای هر تغییر در بسترهای متفاوت است. مثلاً مفهوم امنیت به طور واضحی امروزه در گفتمان زیست محیطی به دلیل بستر خاص تعریف می‌شود. تحلیل‌های امنیتی زیست محیطی با بقای انسان یا حتی تهدیدات سنتی مانند حفظ تمامیت ارضی و دولت - ملت هم‌پوشانی دارد. مثلاً به گفته پژوهشگران حوزه امنیت گرمایش زمین در آمریکای شمالی و کانادا و یا کشورهای

1 - Environmental Security

2 - Matt Mac Donald

3 - Social Construction

اسکاندیناوی یا نابودی جنگل‌های آمازون از تهدیدات سرزمینی هم خطرناک‌تر شده‌اند این گفتمان زیست محیطی با فاصله‌ای فراوان از ادبیات تجربه باورانه به ادبیات مکتب کپنهاگ و سازه‌نگاری و حتی ادبیات پس ساختارگرایی و ساخته شدن ذهنی تهدیدات، در چارچوب امنیتی شدن<sup>۱</sup> موضوعات، نزدیک است. (Matt Macdonald, Hawaii: 5-6) با این گفتمان فراگیر، و امنیتی شدن آن به عنوان یک تهدید کشورها به سمت حل این تهدید از طریق سامانه حکمرانی راهبردی - امنیتی رفته‌اند. به عبارتی با معماری امنیتی در پست کیاتو<sup>۲</sup> درخصوص «همیاری و هماهنگی جهانی درخصوص مقابله با فاجعه زیست محیطی» مشارکت، جامعه مدنی، دولت‌ها سازمان‌های غیردولتی و سیاستمداران با قواعد اصولی مبارزه الزامی می‌کند. این سیاست همگرایی جویانه نیازمند سامانه حکمرانی جدیدی است که دربرگیرنده کنشگران دولتی و غیردولتی است. (O.Koehena, 2007: 3) در این کنش و واکنش همکاری بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی همگی سامانه حکمرانی را تکمیل می‌کنند.

#### ب) تهدید سایبری و حکمرانی راهبردی - امنیتی

فناوری اطلاعات به طور اعم و گسترش اینترنت به طور اخص به طور معناداری یکی از ویژگی‌های رایج جهانی شدن شده‌اند و به طور فزاینده‌ای تأثیر عمده‌ای بر حوزه جوامع و کشورهای جهان داشته‌اند. این بزنگاه تهدیدات و فرصت‌هایی را به طور اساسی، خلق نموده‌اند. در مقابل این انتقال اطلاعات، به طور فزاینده‌ای، نقش شرکت‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی و جنبش‌های اجتماعی، تجارب شبکه‌ای افراد را گسترش داده است و این کنشگران غیردولتی هستند که به عنوان چالش‌گران امنیتی نوین شناخته می‌شوند. امروز به جای این که امنیت ملی مطرح باشد، امنیت جامعه اطلاعاتی مطرح است و تهدید اطلاعات می‌تواند به مثابه تهدید جوامع پیشرفته و در حال توسعه محسوب می‌شود. (Rosen, 2002: 2)

1 - Securitization

2 - Post Kyoto

18) با این تحولات و تحول، در مفهوم امنیت کشورهایی مانند آمریکا، کانادا و روسیه و حتی چین، افرادی را در برای کنترل، نظارت و تحلیل تخمین ریسک‌ها و تهدیدات جامعه شبکه‌ای استخدام می‌کنند. فضای تهدیدات برای کشورها در مقابل از دست دادن کنترل جامعه اطلاعاتی مطرح شده است.

این فضا در مقابل فضای تروریستی<sup>۱</sup>، فضای جرائم<sup>۲</sup> مطرح می‌شود. چراکه فضای مجازی اینترنت بدون کنترل دولت‌ها به فضای تهدید علیه امنیت ملی آنها و حتی امنیت بین‌الملل تبدیل می‌شود. در همین ارتباط، مطالعات ملی کانادا، معتقد است که تروریسم آینده، پیش از آنکه با بمب تهدید کننده باشد با کیبورد تهدید کند حتی در ایالات متحده، و رای گفتمان فضای تهدید از مفهوم «پرل هاربر الکترونیک»<sup>۳</sup> به عنوان سناریوی جدید خرابکاران تروریستی اینترنت که می‌توان کلیه خطوط راه‌آهن را متوقف، حساب‌های پول فراوان فرد را خالی کند، استفاده می‌کند. این حملات مجازی به مثابه کنش تروریسم، تهدید و خطرات نوظهور در عصر دیجیتال برای کشورها و جوامع شناخته شده است.

لذا سیاست کشورها و جوامع در قبال ظهور گروه‌های آنلاین نوین مثل وبگاه<sup>۴</sup> و تالارهای گفتگو<sup>۵</sup> چیست؟ آیا می‌بایست یک اجماع جهانی بین دولت‌ها و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی بوجود آید؟

این راهبرد امنیتی - دفاعی می‌تواند در چارچوب حکمرانی دیجیتال بوجود آید؟ جوزف - های، به عنوان یک نولیبرال به نوعی کثرت‌کنشگران غیردولتی ودولتی در فناوری اطلاعات و مطالعات امنیتی را پیشنهاد می‌دهد. او معتقد است که با این راهبرد، می‌توان فضای صلح و تهدید را شناخت. لذا وابستگی امنیتی متقابل بین دولت، جامعه مدنی، جامعه بین‌المللی جهانی و کشورهای ملی در زمینه

---

1 - Cyber Terrorism  
 2 - Cyber Crime  
 3 - Electronic perl Harber  
 4 - Blogs  
 5 - Chatrooms

کنترل و حکمرانی راهبردی در حوزه سایبر قابل پیگیری است لرنزو ولری<sup>۱</sup> معتقد است که می‌توان به نوعی رژیم بین‌المللی برای اعتبار اطلاعات را بسترسازی کرد و به نوعی قاعده حکمرانی را عملی ساخت. ولگر، تأسیس چنین حکمرانی راهبردی - امنیتی را براساس فهم مشترک، یعنی قواعد و هنجارها و اصول، اساس کار جمعی و همکاری بین تجار و دولت‌ها باشد. (Erikson, etal: 13-17) بنابراین یکی از ابعاد مبارزه با تهدیدات نوین که در فضای مجازی ساخته و وارد فضای واقعی می‌شود، نیازمند راهبردی مؤثر است و آن حکمرانی راهبردی در حوزه سایبر است.

این حکمرانی خود زمینه تعادل و مشارکت بخش دولتی و غیردولتی در قبال جرایم سازمان‌یافته اینترنتی خرابکاری امنیتی رخنه‌گرها (هکرها) در فضای اطلاعات و تهدیدات تروریستی را مهیا می‌کند. (Erikson, etal: 137)

### نتیجه‌گیری

با توجه به تحول در مفهوم امنیت و ماهیت تهدیدات، ناکارآمدی نظریه‌های سنتی دولت محور همچون واقع‌گرایی امنیتی نیاز پژوهش‌های جدید و راهبردی به راهکارها و نظرات متأخر امنیتی دو چندان شده است. این نوشتار با تکیه بر نظریه‌های انتقادی همچون مکتب کپنهاگ، انتقادی و سازه‌نگاری در پی ارائه الگوی حکمرانی راهبردی است. تعامل میان شرکت‌های امنیتی با دولت از یک طرف و مشارکت جامعه مدنی از طرف دیگر از زوایای مهم این سامانه امنیتی نوین طبق الگوی کشور کانادا است. به عبارتی دیگر دولت تنها مرجع امنیت چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی نیست. لذا با توجه به تهدیدات نوین پس از یازدهم سپتامبر از قبیل تروریسم، گسترش تهدیدات سایبری، تهدید زیست محیطی و غیره، رویکردهای سنتی فاقد هر گونه راه‌کار مؤثر در زمینه مهار آن هستند. حکمرانی راهبردی با توجه به خصلت متکثر خود و نگاه حداکثری به اصالت چند نگرشی می‌تواند الگوی مناسب برای ترسیم دورنمای مبارزه با تهدیدات مدرن و پست مدرن باشد.

1 - Leronzo Veler



### منابع

- 1 - Kenn, Booth (2007), Theory of World Security, Cambridge University Press.
- 2 - Robin, Corey (2004), Fear The history of a political idea. (Oxford: Oxford University Press).
- ۳ - افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴ - بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۶)، چراجویی تازه برای تحلیل امنیت، علیرضا طیب: تهران پژوهشکده راهبردی.
- 5 - Klima, Ivan, Between Security and Insecurity. Trnas Cerry Turner and Hundson.
- ۶ - مک‌کین، لای، آردی و آرتیل (۱۳۸۰)، امنیت جهانی، رویکردی نظری، اصغر افتخاری تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 7 - Security Challenges For 21 century <http://www.diis.DK/sw77617> as. P9. use.
- 8 - Mally, Robert, NewYork Review of Books, 10 September 2006.
- 9 - Howard, Michel (2001), The Invention of Peule and Reinvention of war, profile London.
- 10 - Washington post. 11 September 2006.
- 11 - Crisis group.org/hom/index.CFM,id:4333
- 12 - Koithara, Varghes (2000), society state and security (the Indian Experience) sag publication.
- 13 - On the Energy ette, start of the counter = Terrorism committee. Led by the British permanent Representation. Un Doc 2001, 733/and [www.un.org/committees/1376](http://www.un.org/committees/1376)
- 14 - the Report of the Working Group in UN Doc. A/?/56L. 9.29. October. 2001
- 15 - Shani, Girovgio (2006), Introduction: Protecting Human Security in a Post 9/11 World, London, Palgrare Macmillian.
- 16 - R.Hodes, R.A.W (1999), the New Governance without Government. Political Studies, IV.
- 17 - Krahman, Elek, Conceptualizing Security Governance. Cooperation and conflict. Journal of the Nordic International Studies Association. 2003. VI.38.

- 18 - Branett.A. Adler (1998), A Framework for the Study of Security Communitities, in Emenuel Alder anal Miceal Barnet (eds) Security communities. Cambridge: Cambridge university press.
- 19 - Litly, D. Privatization of Security and Peace Building, London International Alert 2000.
- 20 - Macdonald, Matt, Discourses of Security and Environmental Change. International Studies Association. Hawaii.
- 21 - O.Koehena, Robert (2007), Toward a post-kiyato climate change. Architecture: Application Analyses. Wodrow Wilson School of Publication and International Affairs. Princeton University. New York: Cambridge; Cambridge university press.
- 22 - Rosena, J. (2002), Information Technology and Global Politics the Scope of Power and Governance. ALBANY. State University of New York Press.
- 23 - Johnson Erikson and Siumpeir. GIAMELL. International Relations and Security in the Age Digital. London; Rotelege.